پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

شمارهٔ ۴۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص ۲۵۱ـ۲۷۴ (مقاله پژوهشی)

No. 43, Autumn &Winter 2021/2022

تحلیل انتقادی دیدگاه طنطاوی در الجواهر با تأکید بر آیات علمی قرآن

کیانوش نریمان[۱]، سیدمصطفی مناقب[۲]، رحمت‌الله عبدالله‌زاده آرانی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱/۲۹)

چکیده

یکی از مباحث دیرپای در تاریخ تفسیر و روش‌های تفسیری، مبحث تفسیرعلمی است. علاوه بر سیر تحول آن، بررسی نظریات و دیدگاه‌های مختلف مفسران علمی قرآن در ادوار مختلف به ویژه در عصرحاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در این خصوص رویکردهای متفاوت به خود دیده است. در این میان طنطاوی بیش از هر مفسر دیگر و الجواهر بیش از هر تفسیردیگری در حوزهٔ مطالعات تفسیرعلمی مطرح شده است. طنطاوی اعتقاد دارد که شناخت قرآن بدون بهره‌گیری از دانش‌های نو ممکن نیست. هدف از این پژوهش، تحلیل تفسیر به اصطلاح علمی طنطاوی جوهری است که روزگاری در مجامع علمی به شدت مورد توجه و مراجعه بود. نگرش علمی مؤلف به تفسیر آیات در آن روزگاران، از آن کتاب اثری تأمل برانگیز و مورد توجه عالمان ساخته بود. ولی این جهت به تدریج رنگ‌باخته و از دیده‌ها افتاد. از این‌رو عالمان هرگز آن را به جد به مطالعه نگرفته‌اند و جایگاه آن را در میان تفاسیر به درستی روشن نکرده‌اند. برخی از دانشمندان طنطاوی را تحسین کرده‌اند، در حالی‌که افراد دیگر از وی انتقاد کرده‌اند یا حتی وی را فردی خیال‌پرداز خوانده‌اند. طنطاوی به هر روش و شکلی مباحث علم جدید را در فهم قرآن به‌کار می‌گرفت و تلاش کرد تا نظریات و مسائل علمی بسیاری را بر آیات قرآن تطبیق و تحمیل کند. در نتیجه تفسیر طنطاوی بدان‌گونه که پنداشته شده است، تفسیر علمی نیست و در خصوص آیات علمی قرآن افراط کرده است. این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، آیات علمی، نقد و بررسی، طنطاوی، الجواهر.

---

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ kianoosh.nariman@gmail.com
۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)؛ Dr.managheb@gmail.com
۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ abdollahzadeh_arani@yahoo.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

۱- طرح مسئله

از دیرباز کم و بیش برخی از مفسران فریقین به روش تفسیرعلمی توجه داشته‌اند؛ اما اوج آن به دوران معاصر باز می‌گردد. البته در روش تفسیرعلمی[۱] بنا نیست همه آیات با این روش تفسیر شوند بلکه تنها آیاتی موضوع این روش تفسیری‌اند که در قلمرو علوم تجربی قرار دارند. طبق معمول در تفسیر علمی قرآن یکی راه افراط و دیگری راه تفریط و گروهی راه تعدیل در پیش گرفتند، که مزایای هر دو گروه را دارا و از معایب آنها نیز عاری باشد هر تفسیر و مفسری برای خود معیارها و ضوابطی را مشخص کرده است[۲]. طنطاوی در دورانی زندگی می‌کرد که علوم غربی وارد مصر شده و فرهنگ اروپایی بر افکار مسلمانان تسلط یافته بود. در این شرایط طنطاوی به زعم خود برای اینکه مسلمانان را از فریفتگی در برابر فرهنگ غرب باز دارد، تلاش کرد تا مسائل علمی بسیاری را بر آیات قرآن تطبیق دهد. ایشان در "الجواهر" بر این باور است که قرآن کریم جامع علوم است و سعی کرده است که همه علوم زمان خودش را از قرآن استخراج کند و معتقد بود همه علوم مورد پسند بوده و یادگیری آنها واجب کفایی است. و بیش از احکام فقه لطف خداوند شامل علوم طبیعت بوده است. همچنین طنطاوی متأثر از متفکران کلاسیک مسلمان و غیرمسلمانی مانند ارسطو، ابن‌سینا، غزالی، محمد عبده، و برخی از فقهای اسلامی بود در جهان اسلام طنطاوی تنها کسی است که قرآن را به طور کامل به ترتیب از اول تا آخر به روش علمی تفسیر کرده است و علاوه بر آن از واقعیات اجتماعی، ادبی، تاریخی و سیاسی نیز غافل نبوده است. نظام موجود در طبیعت و قرآن از نگاه طنطاوی یکسان بوده و تعارضی میان آنها وجود ندارد و تنها تفاوت آن این است که یکی فعل خدا

---

۱. برای آگاهی بیشتر از مفهوم «روش» ر.ک: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن(۲)، ۲۳/۲-۲۲؛ بابایی، ۱۹/۱؛ ایازی، ۳۲-۳۱؛ أبوطبره، ۲۳.

۲. برای آگاهی بیشتر از معیارها و ضوابط تفسیر علمی، نک: ابن جعفر، ۷۸۱-۸۰۵؛ شریف، ۶۷۶-۶۹۱؛ ابوحجر، ۴۸۷-۵۰۱؛ غنیم، ۲۸۴-۲۹۲؛ رومی، ۹۹؛ همانجا، ۲۹۴-۲۹۶؛ رضایی اصفهانی، ۲۳۲/۲- ۲۳۴، همانجا، ۳۸۲-۳۸۴؛ همانجا، ۵۷-۱۰۳.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

و دیگری کلام الهی است. بنابراین در راستای اهداف عالی که با خود داشت، تنها به بحث از نجوم و طب و فیزیک و شیمی و هیپنوتیزم و احضار ارواح و تکنیک و صنعت قانع نبوده است و می‌خواست به هرشکل ممکن نشان دهد که آنچه در علوم جدید به اثبات رسیده همه در چهارده قرن پیش در قرآن هر چند با اشاره و اجمال مطرح گردیده است.

البته در دو دهه پس از تالیف الجواهر کسانی ظاهر شدند که نوشته‌های طنطاوی را برای اثبات سازگاری اسلام و علم قاطع می‌دانستند و خود طنطاوی بارها اذعان کرده بود که تفسیرش تأثیر بزرگی بر تحولات اسلام خواهد نهاد و با درک و مطالعه آن سطح فکری هم‌کیشان را بالا خواهد برد. در نتیجه بسیاری از دانشمندان از این دیدگاه استقبال کرده و تلاش فراوان کردند تا قرآن کریم را کتابی کاملا علمی جلوه دهند، و اعتقاد داشتند هرگاه در قرآن واژه ای شبیه، یا هم نام و یا هم مفهوم یکی از علوم و مسائل آن را یافته اند، آن را بر همان علم منطبق نموده و بیان می‌کردند که همه علوم در قرآن یافت می‌شود. علی رغم اینکه تفسیر طنطاوی زمان طولانی جزو متون رسمی آموزشی در مصر بوده و در جهان اسلام نیز مطرح و نقل محافل بود، اما به مرور مورد چالش و نقدهای جدی بسیاری از دانشمندان اهل سنت و شیعه قرار گرفت.

این مقاله بر محور پاسخ بدین سوالات گردآوری شده است.

۱- چگونه طنطاوی مباحث علم جدید را برای فهم قرآن به کار می‌گرفت؟

۲- **چگونه** یک فرد غیر معصوم می‌تواند مدّعی تفسیر تمامی آیات قرآن بشود که تمامی زوایای علمی، عرفانی، فلسفی، اخلاقی، ادبی، هنری، روان شناسی، جامعه شناسی، فقهی و... قرآن را بیان کند؟

۳- علوم تجربی ابزاری بود که طنطاوی برای کمک به درک قرآن به کار گرفت یا وسیله ای برای انتقال نظرات شخصی خود استفاده کرد؟

۲- پیشینه تفسیر علمی قرآن

تفسیرعلمی از جمله رویکردهای تفسیری به قرآن است که از گذشته‌های دور تا عصر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

حاضر با انگیزه‌های مختلف شکل گرفته است. ظاهراً «غزالی» نخستین فردی است که در این باره به طور جد سخن گفته است.[۱] علاوه بر غزالی (م ۵۰۵ ق) می‌توان فخرالدین رازی (م ۶۰۶ ق) را پیاده‌کننده شیوه غزالی خواند. سپس ابوالفضل المرسی، این دیدگاه را به گونه ای افراطی می‌پذیرد[۲]. شخصیت دیگری که او را در ردیف معتقدان به تفسیر علمی آورده‌اند، ابوسعید عبداللّه بن عمر بیضاوی (م۶۹۱ ق) است[۳]. پس از بیضاوی، نظام‌الدین نیشابوری (م ۷۲۸ ق) از معتقدان به تفسیرعلمی است که طبق تصریح خودش، تفسیرش تلخیصی از مفاتیح‌الغیب رازی است[۴]. بدرالدین زرکشی (م۷۹۴ ق) و جلال‌الدین سیوطی (م۹۱۱ قـ) صاحب آثار متعدد در علوم قرآن نیز از افرادی هستند که به نوعی نظریه اشتمال قرآن بر علوم روز و تفسیر علمی را مطرح کرده‌اند[۵].

چهره‌های مشهور زیادی از اهل سنت در تفسیر علمی می‌توان نام برد[۶]. همچنین دانشمندان شیعه که در تفسیر علمی کار کردند بسیارند[۷]. در این میان برخی بر این باورند که تفسیر علمی آیات قرآن به کلی غلط بود و نوعی تکلّف بیهوده بیش نیست. آنان در مقام دفاع از رسالت هدایت قرآن برآمده‌اند و فرجام چنین حرکتی را تفسیر به رأی و تابعیت قرآن از سایر علوم خوانده‌اند[۸]. در مقابل، برخی دیگر از دانشمندان اسلامی با

---

۱. او معتقد به اشتمال قرآن بر کلیه علوم گذشتگان و آیندگان بود و اینکه همه علوم بشری در قرآن وجود دارد، این اندیشه اولین بار درکتاب احیاء العلوم دیده شده است.

۲. می‌گوید: همه علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد.

۳. صاحب تفسیر انوارالتنزیل و اسرارالتأویل است که تفسیر خود را برگرفته از دو تفسیر زمخشری و رازی به رشته تحریردرآورده است.

۴. صاحب تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان.

۵. صاحب کتاب البرهان فی علوم القرآن.

۶. محمدبن‌احمد اسکندرانی، سید احمدخان هندی، سید عبدالرحمان کواکبی، محمد عبده، جمال‌الدین قاسمی، محمد توفیق صدقی، مصطفی صادق رافعی، طنطاوی بن جوهری، عبدالمجید بن بادیس، محمد احمد غمراوی، سعید حوی، محمد جمال‌الدین فندی، محمد متولی شعراوی، عبدالرزاق نوفل، محمد عبداللّه درّاز.

۷. محمدجواد بلاغی، سیدمحمود طالقانی، محمدحسین طباطبایی، محمدتقی شریعتی، ناصر مکارم شیرازی، مهدی بازرگان، یداللّه نیازمند شیرازی، محمد صادقی، سیدرضا پاکنژاد، فیض کاشانی.

۸. ابواسحاق شاطبی (۷۹۰ق)، محمد شلتوت (۱۹۶۴م)، امین خولی (۱۹۵۶م)، عباس عقّاد (۱۹۶۴م)، محمد حسین ذهبی، سید قطب، صبحی صالح، محمد عزهٔ دَرْوَزَه، محمد عبدالعظیم زرقانی، عایشه بنت‌الشاطی.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

رویکردی نسبتاً اعتدالی به تفسیر علمی نگریسته‌اند[۱]. در دهه‌های اخیر قرن نوزدهم، طنطاوی سعی کرد تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهد. او تلاش کرد شعارهای اصلی جنبش‌های خردگرا و مدرنیست را دنبال کند. مهم ترین کتاب وی "الجواهر فی تفسیر القرآن" بود که آن را الهام‌بخش علمی نامید. و در ۲۶ جلد تدوین کرده است. باید به خاطر داشت که محمد بن احمد الاسکندرانی (۱۸۸۹م)[۲]، عبدالرحمن کواکبی (۱۹۰۲م) و توفیق افند صدقی (۱۹۲۰م) به عنوان مفسران پیشگام با گرایش علمی شناخته شده بودند و جزء افرادی محسوب می‌شوند که از روش نوین تفسیر پیروی کرده‌اند. آنها اعتقاد داشتند قرآن دارای نظریات علمی است که به آن ماهیتی منحصر به فرد می‌دهد. ولی، در میان این آثار، کتاب طنطاوی به عنوان تفسیر رسمی و مسلسل شناخته شد چون تمام سور قرآن را در برگرفت. همچنین با جدیدترین کشفیات جوامع نوین اروپایی و اخبار، نکات و رویدادهای علمی همراه بود که به وسیله مجلات خبری در غرب منتشر شد تا خوانندگان خود را از بسیاری از رهنمودهای لازم برای رسیدن به موقعیت بهتر سیاسی و اجتماعی مطلع سازد.

۳- روش طنطاوی در تفسیرالجواهر قرآن

منظور از روش، اتخاذ اسلوبی است که مفسر براساس بینش و باور خویش و همچنین با انتخاب ابزار کار مناسب به آنها دست می‌زند. برای به دست آوردن و فهمیدن روش طنطاوی در تفسیرالجواهر، نیاز نیست تمام آن را مطالعه کرد بلکه با بررسی آنچه طنطاوی در تفسیر تعدادی از سوره‌های قرآن آورده است می‌توان روش تفسیری او را پی برد. تفسیرطنطاوی به شیوه ترتیبی است و تنها دوره کامل تفسیری با گرایش به علوم تجربی به شمار می‌آید.

۳-۱. نام هر سوره را در مقدمه آورده و به مکی و مدنی و عدد آیات اشاره کرده است (طنطاوی، ۱۸۵/۱؛ ۱۴۰/۶).

---

۱. برخی از مهم ترین این افراد عبارتند از: محمد رشیدرضا، احمد امین، سید قطب، محمد غزالی، محمد حسین طباطبائی، محمد باقر صدر، ناصر مکارم شیرازی، مرتضی مطهری، و محمد هادی معرفت.

۲. کشف‌الاسرار النورانیة القرآنیة (در سه جلد) و الاسرار الربانیة فی النبات والمعادن والخواص الحیوانیة شناخته شد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

۳-۲. به بسمله در تفسیر هر سوره بیش از همه توجه دارد و هربسمله را مختص به همان سوره می‌داند و آن را با توجه به مضمون سوره تفسیر می‌کند.

۳-۳. طنطاوی ابتدا تا انتهای قرآن را با رویکرد علمی گرایانه تفسیر کرده است و واژگان و آیات را به دقت تجزیه و تحلیل نمی‌کند.

۳-۴. هرسوره را به چندین بخش تقسیم کرده و ابتدای هر بخش نص آیات را ذکر کرده است. پس از آن به تفسیر و ترجمه لفظی آنها می‌پردازد (پیرمرادی، ۵۶؛ ذهبی، ۲۷۲/۲).

۳-۵. به کتب لغت در هیچ موردی استناد نمی‌کند و تنها به یک کلمه یا جمله برای لغات اکتفا کرده است (طنطاوی، ۱۶۴/۴؛ همانجا، ۶۱/۶؛ همانجا، ۸۰/۲۵).

۳-۶. طنطاوی مطالب گوناگون را دسته بندی می‌کند و تأملاتش را درباره آیات ذیل عناوین کلی و فرعی می‌آورد، پس از آن نظریات، نکته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها و توضیحات مفصل‌تری پیرامون آیات آورده است.

۳-۷. سوره‌های بلند قرآن را با توجه به پیوستگی موضوع آیات به دسته‌های متعدد، با اندازه‌های متفاوت تقسیم می‌کند.

۳-۸. به مضامین اصلی هر سوره توجه دارد و عموماً پیش از تفسیرآیات مضامین آنها را به تفصیل یا به اختصار بیان می‌کند (شریف، ۲۶۳-۲۶۶).

۳-۹. هر سوره را با سوره پیش پیونده داده و هردسته از آیات یک سوره را با دسته بعد ذکر کرده است (رومی، ۲۲۵-۲۳۷).

۳-۱۰. در موارد زیادی اشاراتی به اختلاف قرائت‌ها دارد و نام قاری را ذکر می‌کند اما از داوری درباره قرائت‌ها و گزینش یکی از آن‌ها با تکیه به سند و متن پرهیز می‌کند (طنطاوی، ۷۹/۲۴؛ همانجا، ۸۱/۲۵).

۳-۱۱. به اشعار عرب در تفسیر برخی آیات استشهاد کرده است (بابایی، ۳۶۲/۳-۳۶۴).

۳-۱۲. به احادیث نبوی و روایات صحابه بدون نشانی کامل و دقیق آنها اشاره کرده است و آن‌ها را ساختگی می‌داند (طنطاوی، ۱۸۵/۱؛ همانجا، ۱۴۰/۶).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

۳-۱۳. در الجواهر موضوعات کلامی مطرح شده است (همانجا، ۳۱۱/۲۴-۳۱۳). آیات فقهی مختصر در الجواهر آمده و گاه از تفسیر لفظی آیات فراتر نمی‌رود و به گفتار دانشمندان غربی استشهاد می‌کند (همانجا، ۱۴۷/۳).

۳-۱۴. از تصاویر گیاهان و حیوانات و مناظر طبیعی در توضیح مطالب علمی استفاده کرده و بسیاری از علوم را به وسیله حساب جمل استخراج کرده است (همانجا، ۱۲۲/۲؛ ۳/ ۹۶ و ۱۰۲-۱۰۳).

۳-۱۵. مخاطب طنطاوی گاه عموم مسلمانان و گاه طبقهٔ خاصی است و به وقوع نسخ درآیات اعتقاد دارد.

۳-۱۶. آیات را برخلاف ظاهرآنها تأویل نمی‌کند (همانجا، ۳۲۰/۴ـ۳۲۲).

۳-۱۷. طنطاوی ازعلوم طبیعی در همه آیات قرآن استفاده و به آنها استناد کرده است.

۳-۱۸. از شأن نزول‌ها به صورت گزینشی و موافق با اهل سنت استفاده کرده است (همانجا، ۱۳۱/۶؛ ۱۰۸/۱؛ ۱۹۴/۳؛ ۵/۱۲؛ ۳۲۵/۲۴).

۳-۱۹. از روش تفسیری قرآن به قرآن به ندرت استفاده کرده است.

۳-۲۰. درتفسیرخود از انجیل و تورات نقل قول بسیاری دارد (همانجا، ۱۴۷/۳).

٤- دیدگاه طنطاوی پیرامون آیات علمی قرآن

طنطاوی معتقد است: «آیات مربوط به علم در قرآن بیش از ۷۵۰ آیه است و آیات صریحهٔ احکام، که مربوط به مسائل فقه است، از ۱۵۰ آیه نمی‌گذرد» (طنطاوی، ۵۳/۲۵). در نتیجه مسلمانان باید به جنبهٔ علمی قرآن کریم توجه بیشتری داشته و برای مفسرانی که به این بعد از قرآن کریم کمتر توجه داشته اند، تأسف شدید خود را بیان می‌دارد (همانجا، ۱۹/۳). شیخ طنطاوی، این اعتقاد را پذیرفته بود که شناخت قرآن بدون بهره‌گیری از دانش‌های نو ممکن نیست. او به صراحت می‌نویسد: «محال است که مسلمانان از قرآن بهره گیرند؛ مگرآن که از دانش‌ها آگاهی یابند» (طنطاوی، ۱۸۲/۸). و مراد از «دانش‌ها» همه

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

انواع آگاهی ها، از فیزیک گرفته تا تاریخ و علم ارواح و...است.

البته هدف طنطاوی از تفسیر علمی، استخدام علوم در راستای فهم هرچه بیشتر و بهتر مضامین قرآن و مقاصد الهی در آیات و سور قرآن کریم با رویکردی دلسوزانه و اصلاح طلبانه جهت آگاهی بیشتر مسلمانان بوده است و با وجود آنکه میان جامعیت قرآن و تفسیرعلمی وابستگی نمی‌بیند، ولی تمامی آموزه‌های قرآنی را با علوم جدید سازگار می‌یابد. بنابراین در الجواهراز روش قرآن به قرآن، عقلی، روایی، گرایش‌های کلامی، سیاسی، فقهی و عرفانی استفاده کرده است. او می‌خواهد به هر طریق ممکن، نشان دهد که آنچه در علوم و عصر جدید ثابت شده است از نظریات و دیدگاه‌ها و اختراعات و اکتشافات جدید، همه در چهارده قرن پیش در اسلام، هرچند با اشاره واجمال طرح و یا توسط قرآن به گونه ای گوشزد شده است در نتیجه سوره‌های قرآن بیانگراموری است که علم جدید، آنها را ثابت کرده است.

۵- نمونه‌های آیات علمی از دیدگاه طنطاوی

۵-۱. روح

طنطاوی به صورت خاص در زمینه‌ی روح در تفسیر خود سخن گفته است. ظاهرا او حتی در جلسات عملی روح‌گرایی مشارکت کرده است تا بدین صورت وجود روح و قیامت را به اثبات برساند. طنطاوی معتقد بود که تمام کشف‌های غربی و موفقیت‌ها در زمینه‌ی ارواح گرایی عمدتاً از سرزمین‌های شرقی متداول شده است (به صورت خاص در کشورهای مسلمان) (طنطاوی، ۱۳). او ایده ی خود در مورد وجود روح را با ارجاع به متفکران قرون وسطایی دنبال کرد. و به خاطر همین، تفسیر وی به عنوان تفسیری روحانی (روحی) تلقی می‌شد. برخی از صاحبنظران نسبت به تمایل طنطاوی به ارائه برخی داستان‌های علمی در تفسیرش به شدت بدبین هستند. آنها اعتقاد داشتند او تلاش کرده با این داستان‌ها مردم را فریب بدهد. در این خصوص، طنطاوی گفت که قرآن فقط ما را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

هدایت نمی‌کند تا علوم طبیعی را بررسی کنیم، بلکه سطوح این علوم را بالاتر از علوم دیگر مشخص می‌کند و از مسلمانان خواسته تا به جستجوی عجایب طبیعی بپردازند و اشاره می‌کند به آیه: «**قُلِ انْظُرُوا ما ذا فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ...**» (یونس، ۱۰۱). او در تفسیرآیه ۸ سوره روم مخاطبان خود را به تأمل در نفس دعوت کرده است و آنها را به آشنایی با احضار روح فرا می‌خواند و از آن دفاع کرده است و در پی استنباط آن از قرآن بوده است (طنطاوی، ۲۰/۱۵– ۲۵). در تفسیرآیه: «**وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا**» (البقره، ۶۷). بحثی را در عجایب قرآن مطرح می‌کند و در بین آن از علم احضار ارواح سخن می‌گوید و مناسبت طرح آن زنده شدن قتیل بنی اسرائیل است که می‌گوید: علم احضار ارواح از این آیه استخراج می‌شود و قبلاً مسلمانان آن را می‌خواندند و بدان ایمان داشتند تا اینکه علم احضار ارواح درآمریکا کشف شد و سپس از فواید و تاریخ انتشار این علم حدود ۵۰ صفحه صحبت می(همانجا، ۸۴–۸۹). در ادامه سورهٔ بقره، زندگی عزیر بعد از مرگش و همچنین زنده شدن «خر» وی و مسألهٔ کسانی که از ترس طاعون از شهرشان فرار کردند و مردند و بعد خداوند آنها را زنده کرد و چون می‌دانست ما از درک این امور عاجز هستیم رمزی بر مسئلهٔ احضار ارواح در مسئله بقره قرار داد. او می‌گوید: اگر پس از قرائت آنچه از بنی اسرائیل در زنده کردن مرده‌ها آمد چیزی متوجه نشدید نگران نباشید که این مربوط به مسئله احضار ارواح است. و لکن احضار کننده ارواح باید صاحب قلبی پاک و خالص شبیه انبیاء باشد. مثل عزیر(ع)، ابراهیم(ع) و موسی (ع) و باید به انبیاء اقتدا کرد و این امور به تجربه و عمل دانسته می‌شود نه با قیاس عقلی و نظر و حدس فکری (ذهبی، ۸۹؛ دانشگر، ۵۹–۶۰). **تحلیل نویسنده:** استنباط‌های بسیار غریب و شاذ طنطاوی از آیات قرآن را باید بر این معنا حمل کرد که او از تجربه گرایی و علم گرایی عصر جدید کاملاً متاثر است. به نظر می‌رسد طنطاوی در تفسیر الجواهر می‌خواهد حرفهای خود را مطرح کند و تفسیر قرآن را بهانه قرار داده است. زیرا روش او به گونه ای است که گویا کشف معنای آیات و مراد خداوند

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

از آیات مطرح نیست بلکه مهم این است که گرایش به سمت علم جدید و اهتمام بـه آن از آیات قرآن بیرون آید.

۵-۲. دوگانگی جنسی

آیات مربوطه به دوگانگی جنسی در تمام مخلوقات زیاد است مانند: «**وَ مِنْ کُـلِّ شَـیْءٍ خَلَقْنا زَوْجَیْنِ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ**» (الذاریات/۳). آیه: «**وَ هُـوَ الَّـذی مَـدَّ الْـأَرْضَ وَ جَعَـلَ فیهـا رَواسِیَ وَ أَنْهاراً وَ مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ جَعَلَ فیها زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ**» (الرعد/۳). و آیه: «**فَجَعَـلَ مِنْـهُ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرَ وَ الْأُنْثی**» (القیامه، ۳۹). این آیه یکی از آیه‌هـای متـداول در مـوارد علمـی مربوط به کارهای تفسیری است. مفسرین و محققین به وفور سیستم بیولوژی بدن انسـان و ویژگی‌های ژنتیکی آن را در نظر گرفتـه‌انـد و از آن بـرای اثبـات تفـاوت‌هـای جنسـیتی درانسان استفاده کرده اند. طنطاوی می‌گوید: ضرورتی ندارد کـه ایـن آیـه را از نقطـه نظـر فیزیولوژیکی تفسیر کنیم بلکه واضح است که این آیه حکمتی است تـا زنـان و مـردان در زمین را تعیین و مشخص کند. به هر حال، طنطاوی چندین مطالعه بـر روی ایـن موضـوع انجام داده است و یافته‌های خود را در کتاب خود با نام انسان کجاست؟ منتشر کرده است. نتیجه گیری او این است که این آیه و سایر آیه‌های مشابه که مربوط به دوگانگی جنسـیتی است بر توجه خداوند به مخلوقات خود اشاره دارد و بیان کننده‌ی آفـرینش برابرآنهاسـت (طنطاوی، ۳۰۷/۲۴-۳۰۸).

تحلیل نویسنده: این آیات تأیید دانش جنین شناسی بر آموزه‌های ارزشـمند قرآنـی در بررسی خلقت انسان است و هر کدام از اصطلاحات قرآنی شـکل مقطعـی جنـین را دقیقـا توصیف می‌کند. هر اندازه علم پیشرفت کند تفسیرهای جدیدی بـرای حقـایق علمـی کـه قرآن به آن اشاره نموده است، آشکار می‌شود و شاید در آینده پس از دستیابی به ابزارهای دقیق بتوان به حقایق بیشتری دست یافت و مفسران برای تفهـیم بهتـر آیـات بـه صـورت متفاوت از یافته‌های علمی کمک بیشتری بگیرند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

۵-۳. اثر انگشت

اولین شناسایی علمی و مستدل اثر انگشت در غرب و در اواخر قرن هفدهم بـه دسـت آمده است. «بَلی قادِرینَ عَلی أَنْ نُسَوِّیَ بَنانَهُ» (القیامه، ۴). منطق ایـن آیـه از قـرآن بسـیار موجز است و برای طنطاوی، این موضوع یکی از شگفتی‌های حقیقی قرآن است. صـرفنظر از این مسئلهی کلی، طنطاوی به صورت خلاصه یک ماجرای قتل را کـه در ژاپـن رخ داده است توصیف می‌کند که در طی آن، افسران پلیس، قاتل را دستگیر می‌کنند (طنطاوی، ۲۴/ ۳۰۸-۳۰۹). اما چرا خداوند از میان اعضای انسان به خطوط انگشتان اشاره کرده است به این معنی نیست که آفرینش سرانگشتان سخت تر و پیچیده تر از انـدام‌هـای دیگـر اسـت. دلایلی دارد که به آنها اشاره می‌کنیم: یکی اینکه خطوط سر انگشتان ویژگـی‌هـای مهمـی دارندو در هر فردی با دیگری متفاوت بوده و از تولد تا مـرگ بـا انسـان همـراه اسـت. و دیگری خود این خطوط و نقوش هم ثابت هستند، هم اثر آنها ثابـت و مانـدگار اسـت. و جزء آیاتی است که اعجاز علمی قرآن را ثابت می‌کند.

٥-٤. قطره‌ی اسپرم مخلوط شده (امشاج)

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلیهِ فَجَعَلْناهُ سَمیعاً بَصـیراً» (الإنسان، ۲). لفظ نطفـه با وصف «امشاج» آمده است. امشاج از ماده «مشج» جمع مشیج و مشج (بر وزن فلس) بـه معنای آمیختن، آمیخته، مخلوط و ممتزج می‌باشد. این کلمه تنها یک بار در قرآن در آیه ۲ سوره انسان آمده است (قرشی، ۲۵۹/۶). (ابن منظور، ۷۶۷/۲). اما در رابطـه بـا ایـن کـه مقصود آیه از ترکیب نطفه (من نطفه امشاج) چه می‌باشد، احتمالات گوناگونی وجـود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- منظور آمیختگی و لقاح نطفه زن و مرد است که این نگرش رایج تـرین دیـدگاه در میان مفسران پس از نزول وحی تا زمان حاضر بـوده و کسـانی ماننـد طبـری، ابـن کثیـر، مراغی، طبرسی و...آن را پذیرفته اند. در صورتی کـه در سـال (۱۸۷۵م) بـرای اولـین بـار

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

هرتویگ ثابت نمود که هم نطفه مرد و هم نطفه زن در تکوین تخم موثرند (البار، ۲۰/۹). اما قرآن کریم این مرحله را به خوبی در آیه ۱۳سوره مؤمنون به تصویر کشیده و می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلْناهُ نُطْفَةً فی قَرارٍمَکینٍ».

۲- منظور، ترکیب نطفه از عناصر و اجزای گوناگون می‌باشد.

۳- با توجه به جمع بودن کلمه امشاج به نظر می‌رسد مقصود قرآن، گونه‌های مختلفی از آمیختگی است و بر این اساس می‌توان هر دو وجه ذکر شده را با این آیه منطبق دانست.

طنطاوی موقعیت بسیار متفاوتی برای این آیه و امشاج استفاده کرده است. او ادعا کرده است که یک انسان از اسپرم (نطفه) ایجاد شده است که با امشاج ترکیب می‌شود. این مورد به تغذیه‌ی فرد و غذا و میوه ای مرتبط است که او خورده است. در حقیقت این مورد به ۱۰ عنصر حیاتی وابسته است که فرد دریافت کرده است: اکسیژن، هیدروژن، کربن، ازت، گوگرد، فسفر، پتاسیم، منیزیم، کلسیم و آهن. پس درک کم وی از جنین شناسی و فیزیولوژی باعث شد که وی به سادگی اظهار داشت که امشاج با عناصر مورد نیاز بدن انسان سروکار دارد (طنطاوی، ۳۰۱/۲۴-۳۱۱). (دانشگر، ۶۲-۶۳).

۵-۵. در سورهٔ زلزله ابتدا به تفسیرلفظی می‌پردازد و نکاتی را یادآور می‌شود، سپس به زلزلهٔ ایتالیا و آنچه علوم جدید در نتیجهٔ استخراج زغال سنگ و نفت و چیزهایی که انسان به آن نیاز دارد پرداخته است و آن را به آیه‌های آن ربط داده است (طنطاوی، ۲۵۵/۲۵-۲۵۷). و بر این مبنا است که ایدهٔ معاد شناختی برگرفته از زمین لرزه ای در ایتالیا را عنوان می‌کند.

۵-۶. او هنگامی که آیه: «إِنَّا جَعَلْنا ما عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَها لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً» (الکهف، ۷). را مطرح می‌سازد، خاطرش آسودگی می‌گیرد؛ زیرا نمونه‌های این گونه زیبایی فراوان است، و در تأیید آن، تصاویر بسیاری از آب فشان ها، پروانه ها، رمه‌های گورخر و دیگر در برابر چشم خواننده می‌گذارد (طنطاوی، ۱۴۰/۹-۱۴۸). بارها هنگامی که پدیده یا رویداد دقیق‌تری در میان است، می‌کوشد تا واژه ای را که با آن مواجه شده تبیین کند (طنطاوی، ۲۴۹/۲۵).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

۵-۷. و یا در تفسیر سوره فیل، به تفصیل از کشفیات جانورشناسی سخن می‌گوید (طنطاوی، ۲۶۲/۲۵). وی، آن جا که روایات اسلامی را درباره نبرد معروف فیل، در ذیل سوره ۱۰۵ قرآن، می‌آورد، قصه فیلی را که به دستور فیلبان بر خرطوم آن آب می‌پاشید، نقل می‌کند (تهامی، ۳۱).

۵-۸. طنطاوی در ذیل تفسیر آیه ۶۱ سوره بقره: «**وَإِذْ قُلْتُمْ یا مُوسی لَنْ نَصْبِرَ عَلی طَعامٍ واحِدٍ فَادْعُ لَنا رَبَّکَ**» (البقره، ۶۱). از جهت فواید پزشکی مطروحه در آیه آن را بررسی می‌کند. نظریات جدید پزشکی و روش‌های پزشکان اروپا را در طب بیان کرده است (طنطاوی، ۸۴/۱۵-۸۹).

۵-۹. در تفسیرآیه ۳۰ سوره أنبیاء: «**أَوَلَمْ یَرَ الَّذِینَ کَفَرُواْ أَنَّ السَّمَوَتِ وَالْأَرْضَ کَانَتَا رَتْقاً فَفَتَقْنَهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَآءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ أَفَلَا یُؤْمِنُونَ**» (الأنبیاء،۳۰). می‌گوید: چنانکه می‌بینی این مسئله که زمین و آسمان یعنی خورشید و ستارگان و همهٔ چیزهای عالم یکپارچه بوده اند بعد خدایتعالی آنها را جدا کرده است قرآن صدها سال پیش مطرح کرده است و ما می‌گوییم این مسئله معجزه است. زیرا مردم از این موضوع آگاه نبودند. ما امروز می‌بینیم قرآن از علومی پرده برداشته که فرنگیان اخیراً آنها را کشف کرده اند و این از معجزات قرآن است (همانجا، ۱۹۹/۱۰).

۵-۱۰. در بحث از سوره علق، به شرح مسائل پزشکی می‌پردازد و یادآور می‌شود که برای فهم این آیه باید از رموز تلقیح آگاهی داشت (طنطاوی، ۲۰۵/۲۵). گاه به هنگام نقل دقایق علمی نوین به هیجان می‌آید و می‌نویسد: «ستایش خدای را اکنون پزشکی نیز راهی برای فهم و تفسیر قرآن شده است» (همانجا، ۱۷۰/۱۰).

۵-۱۱. در تفسیر آیهٔ ۱۵سوره رحمن می‌گوید: «**وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مارِجٍ مِنْ نارٍ**» (الرحمن، ۱۵). "مارج" مخلوطی است از شعله‌های قرمز و زرد و سبز. چنانکه انسان از عناصر مختلفی ترکیب شده، جن هم از شعله‌های مختلفی تشکیل شده و جدیداً کشف شده که نور مرکب از هفت رنگ است به غیر از رنگهایی که شناخته نشده، پس لفظ «مارج»

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

اشاره به به ترکیبات نورهای هفت‌گانه داشته و اینکه این شعله‌ها دائماً لرزان است و جن از این شعله‌های رنگارنگ لرزان خلق شده اشاره بدین معنی دارد که نفوس جن دائماً احتیاج به تکمیل دارد (طنطاوی، ۱۷/۲۴).

۵-۱۲. وی همچنین حروف مقطعه و بسم الله را به تناسب سوره، تفاسیر مختلف کرده است. مانند تفسیر قشیری، ولی وی بیشتر عنایت به علوم داشته است. در ابتدای سورهٔ آل عمران چیزهای عجیبی حول این حروف گفته- یک مرتبه آن را به حساب جمل حساب کرده، مبنی بر اینکه حروف هجایی دارای مقادیرعددی می‌باشند و یک مرتبه آن را رمزی برای اتساق بین کون و افلاک و اعضاء جسم انسان و حواس انسان و دیگر امور قرار داده (آل جعفر، ۲۶۲).

۵-۱۳. در تفسیر آیه ۵۰ سوره طه می‌نویسد: خدایتعالی می‌فرماید: «**الَّذی أَعْطی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی**» (طه، ۵۰). «**الَّذِی خَلَقَ فَسَوَّی، وَ الَّذی قَدَّرَ فَهَدی**» (الأعلی، ۲و۳). در اینجا: "طا" اول آمده و"ها" درثانی آمده است: می‌گوید: از قرآن ارادهٔ بررسی سایر علوم شده است و سایر علوم همانی است که در محاورهٔ فرعون و موسی و جمع آنها کلاً «اعطی و هدی» می‌باشد واین دومی شود (طه) پس «الطاء» و «الهاء» رمزی است برای بررسی دروس علوم ریاضی و طبیعی و نجوم و همچنین همهٔ علومی که در دنیا هست (طنطاوی، ۶۴/۱۰-۶۵).

۵-۱۴. ازسرگذشت‌های تاریخی درباره سرنوشت کافران بهره بسیار می‌گیرد. آنچه را بر سر تزار روسیه رسید، یادآوری می‌کند و ثروتمندان مسلمانی را که کاخ‌ها برپا می‌سازند و هزینه‌های بیهوده و سنگین به مصرف جشن‌ها و میهمانی‌ها می‌رسانند- که سود آن هم نصیب اروپاییان می‌شود. از سرنوشتی که بر سرتزار روس وامثال او رسید، بیم می‌دهد (همانجا، ۱۷/۱۴).

۵-۱۵. طنطاوی برای توجیه و توضیح آیات قرآنی مربوط به موسی (ع)، از کتاب‌های مصر شناسی استفاده می‌کند (تهامی، ۳۲). ایشان شگفتی برخی از خوانندگان آثارش را چنین نقل می‌کند که می‌پرسند: در کجای قرآن آمده است که سپاس و ستایش خداوند، بدون شناخت علمی آفریده‌های او محال است؟ و شیخ چنین پاسخ می‌دهد: اهل دانش و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

اندیشه باید خدا را از روی شناخت و براساس معرفت بستایند و سپاس گویند، تا به او تقرب یابند و به پیامبران و فرشتگان او نزدیک شوند. و این نظر خود را به آیات ۱۷-۱۸ سورهٔ روم مستند می‌کند: پس خدای را تسبیح گویید آن گاه که به عصردر می‌آیید و آن گاه که به بامداد در می‌شوید. ستایش از آن او است در آسمان‌ها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسید (طنطاوی، ۵۸/۹).

۵-۱۶. اوگاهی جانب شرع را رعایت نکرده و برای مثال: بهشت وکوثر را معنوی تأویل می‌کند و معتقد است حوض (کوثر) کنایه از علم است که هرچه از آن بنوشند، همچنان برقرار و پایدار می‌ماند، و مشک معطر و انواع گوهرهای قیمتی ازدُر و یاقوت و آبی شیرین‌تر از عسل و آن حوض بی‌پایان چیزی نیست جزء شاخه‌ها و شعبه‌های علم و چشم‌اندازهای دلفریب شگرفش که بینندگانش را شادی افزاید (ذهبی، ۵۱۰/۲-۵۱۱).

طنطاوی خاطر نشان می‌سازد که اگر ما صاحب دانش باشیم، اما فراموش کنیم که هر چه داریم از فیض خداوند است، این چنین دانشی خطر آفرین خواهد بود، و اگرچه داننده‌اش را به جهان نزدیک خواهد ساخت، اما او را به خدا نزدیک نخواهد کرد (همانجا، ۱۶۵/۹). هر چند بر این خطر چندان تأکید نمی‌کند و فقط به گونه ای کلی می‌نویسد که دانش عرفانی، انسان را به خدا نزدیک می‌کند: «میزان آگاهی ما از زیبایی، شکوه وحکمت، همان میزان قرب به خداوند است» (همانجا، ۱۱۴/۱۵). نوری که می‌نگریم، نماد خدا است (همانجا، ۱۹۲/۱۵). مطالعه طبیعت، مطالعه دین است (همانجا، ۲۷۲/۲۵). آفریدگان از طریق همگرایی با طبیعت، در واقع، خدا را ستایش می‌کنند. آدمی هنگامی که در شب‌های روستا به تأمل می‌نگرد، زندگی حقیقی خود را در پرتو رنگ‌های طبیعی می‌نگرد که از هر جا بتابد، سرانجام به خداوند رهنمون می‌گردد (همانجا، ۵۵/۹؛ تهامی، ۳۰-۳۱). بنابراین میزان بهره بری علوم در این تفسیر از دیگر تفاسیرعلمی فزون تر است و در آن به تطبیق علوم با آیات بدین صورت پرداخته است. به عنوان مثال: به تطبیق علم گیاه شناسی ذیل آیه ۱۴-۱۶سوره نبأ، تطبیق علم ستاره شناسی با آیات ۸۸-۸۹ سوره صافات، تطبیق علم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

جانور شناسی ذیل آیه ۷۹ سوره مؤمنون، تطبیق علم اختراع ذیل آیه ۸ سوره نحل .... و از این موارد در الجواهر فراوان یافت می‌شود.

طنطاوی بر این واقعیت چشم می‌پوشد که با تعدد مثال‌ها، شمشیر دو لبه ای را به دست می‌گیرد که از یک سو می‌تواند حس ستایش صُنع آفریدگار را بیش‌تر برانگیزاند و از سوی دیگر، همین حس در خطر سرکوفته شدن طغیان تفصیلات علمی است که نظرها را منحرف می‌سازد و شناخت واقعی را مانع می‌گردد.

۶- نقد دیدگاه علمی طنطاوی

در این مقاله بایستی ادّعای طنطاوی پیرامون آیات علمی راستی آزمایی شده و گزاف بودن ادّعای او معلوم گردد. البته نه اصل سخن او که قرآن را جامع علوم می‌داند بلکه ادّعای او که می‌خواهد همه ی آنها را تبیین کند.

اما به چه دلیل تفسیر طنطاوی مورد استقبال واقعی قرار نگرفته است؟

۶-۱. طنطاوی در الجواهر، علم‌زده و منفعل واقع شده و به نظر خودش، با نیّت خیر کار خود را آغاز کرده و قایل است که مسلمانان باید برای دفاع از قرآن و اسلام در مقابل تمدّن مهاجم غرب به علوم جدید مسلح شوند؛ لکن به حدّی شأن علوم طبیعی را بالا برده است که در مقدمه‌ی تفسیر جواهر می‌گوید: «علوم طبیعی، همان علم توحید، همان علم دین، همان حب خداوند، رسیدن به خدا، پیش‌رفت ملّت‌ها و دوستی خداوند، خشیت از او، ترقّی ملّت‌ها در دنیا، برتری آنها در آخرت از نظر مقام، رسیدن به لقاءالله، بهره‌برداری از نظر وجه اللهی است و رسیدن به تمام این‌ها با این علوم امکان‌پذیر نیست» (طنطاوی، ۱۷/۱۷). به قول ذهبی: «تفسیر طنطاوی بیش از آن‌که مورد قبول واقع شود، مورد نقد و خشم و اعتراض واقع شد» (ذهبی، ۵۶۶/۲). اگر چه نگارش طنطاوی، علمی و علم آلود است، ولی نگرش طنطاوی علمی نیست. طنطاوی، در این تفسیر، آنچه که باید در تبیین آیات علمی داشته باشد، افراط نموده و این تفسیر را از مطالبی پر کرده که بعضاً شبه علمی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

است و نمی‌توان آنها را علمی خواند، دلیل مخالفان هم ممکن است همین باشد (خرمشاهی، ۱۰۸). بنابراین طنطاوی اصلاً به پیامدهای انحصارگرایی در روش‌های علوم تجربی توجه ندارد. او توجه ندارد چنین تفسیری از آیات، روح کلی حاکم بر آیات قرآن را که نگاه معنوی به جهان است از بین می‌برد و نوعی کمیت‌گرایی و ماتریالیسم را به نام تفسیر قرآن ترویج می‌کند. بنابراین تفسیر صرفاً مادی و تجربی قرآن معلوم نیست دغدغه‌های متعالی طنطاوی را برطرف و مسلمین را به شاهراه خوشبختی هدایت کند.

۶-۲. شیخ طنطاوی از احضار ارواح و استنباط آن در آیات ۶۷ تا۷۲ سوره بقره سخن می‌گوید: در حالیکه احضار ارواح امری غریب و دور از اهداف و اغراض والای قرآن می‌باشد چگونه می‌توان گفت از قرآن قابل استخراج است. این علم اساساً از دیدگاه مسلمانان قابل اثبات نیست چگونه می‌توان آن را به قرآن نسبت داد. طنطاوی، هدف اصلی قرآن را، که هدایت و تربیت بشر است، فراموش کرده و بیش‌تر به مباحث علمی، مانند علوم فقهی و مباحث شبه علمی و فرا روان‌شناسی پرداخته است. بسیار تحت تأثیر تحلیل هیپنوتیسم و احضار ارواح قرار گرفته است؛ اما درباره‌ی توحید، و آیات اخلاقی، به یک تفسیر لفظی، شرح مفردات و ترجمه‌ی ساده اکتفا کرده است.

۶-۳. طنطاوی بیش از حد در جایگاه و منزلت علوم و تأثیرآنها درخداشناسی غلو می‌کند و شناخت خداوند به صفات رحمت و رأفت و نیز حمد و شکر او را، منوط و مشروط به علوم تجربی می‌داند و برداشت‌های علمی طنطاوی در تفسیر خود از برخی آیات به دلایل مختلف نادرست و غیر قابل پذیرش است (طنطاوی، ۵۶/۲۵-۵۷؛ ۲۱۰/۲؛ ۱۶/۱۷-۱۷).

۶-۴. در تفسیر طنطاوی، تفسیر به رأی و به کار بستن سلیقه و نظر شخصی وجود دارد. در موارد بسیاری، دیدگاه های فردی خود را بر یک آیه تحمیل کرده و منجر به تأویل شده است. حتی در نگاه ایشان علم می‌تواند با سوار شدن بر مرکب تفسیر به رأی به قدرتی برسد که آن قدرت خودش را بر قرآن تحمیل کند و جابجایی قدرت، به نفع علم رقم می‌خورد به گونه‌ای که علم دارای قدرتی بدون رقیب شده است. بنابراین طنطاوی به

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

دلیل عدم رعایت ضوابط و قواعد حقیقی فهم قرآن در دام تـوهم تـاریخی تفسـیر بـه رأی گرفتار شده است.

۶-۵. در الجواهر خودباختگی در برابر فرهنگ غرب وجود دارد؛ هر چنـد بـه جهـت دل‌سوزی مسلمانان است. طنطاوی قایل است مسلمانان باید در مقابل فرهنگ غرب مجهّز باشند و یکی از راه‌های تجهیز را تفسیر قرآن بر اسـاس علـوم روز و ایسـتادن در مقابـل دانش امروز غرب می‌داند. این مطلب صحیح به نظر نمی‌رسد (دانشگر، ۶۲- ۶۵).

۶-۶. برداشت‌های طنطاوی که ناشی از همـان تطبیـق ایشـان اسـت، بـا قـرآن کـریم ناسازگار است. قرآن کریم آیات را مکمّل یک‌دیگر دانسته و اخـتلاف در آن را رد نمـوده است؛ امّا برداشت‌های طنطاوی منجر به اختلاف شده‌اند. در واقع هیچ تعارضی بین قرآن و علوم قطعی وجود ندارد و تعارض بین علوم ظنی با قرآن براساس برداشت غلط از بعضـی آیات است که مسئله تعارض میان علم و دین را تداعی می‌کند اما این خطای مفسراسـت و ساحت مقدس قرآن از این نقص مبراست. برخی از برداشت‌های علمی طنطاوی از آیـات به دلایل مختلف نادرست و غیر قابل قبول است.

۶-۷. مطالب بی‌ارتباط با تفسیر، مانند مناظر طبیعی، حیوانات، تصاویر و...درآن وجود دارد؛ لذا احمد حنفی می‌گوید: گرچه من تلاش پاک و صادقانه‌ی استاد طنطاوی را ستایش می‌کنم، ولی وی در بیان علوم مختلف، زیاده‌روی کرده است، تا آن‌جا که از حـدود معـانی آیات تجاوز نموده است (احمد حنفی، ۷).

۶-۸. بحث‌های علمی را اصل و آیـات را فـرع قـرار داده اسـت. طنطـاوی بـا زیـاده روی‌های علمی بجای تبیین پیام آیات علمی، ذهن مخاطبان را را به مباحث فرعی کشانده و تفسیر خویش را به دایره المعارف علوم مبدل نموده است.

۶-۹. طنطاوی در پرداختن به مباحث علمی از تکرار ابایی نداشـت و هنگـام فهمیـدن مراد و مقصود آیات علمی پیرامون طبیعت به علوم جدید متوسل می‌شود. امـا بـه محـض تفسیر، عنان از کف می‌دهد و فراموش می‌کند که درصدد فهـم آیـات بـوده اسـت وحجـم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

زیادی از تفسیرش را با دیدگاه‌های دانشمندان و اختراعات و اکتشافات آنها پـر مـی‌کنـد، بطوری که اگر خواننده آن صفحات تفسیر را جداگانه مورد بررسـی و مطالعـه قـرار دهـد، قادر نیست که بفهمد هدف طنطاوی از طرح این مباحث تفسیر آیه ای از آیات قرآن بوده و همین مسئله باعث سوء ظن و بدبینی برخی از مفسران نسبت به تفسیر طنطاوی شده است.

۶-۱۰. طنطاوی یک فرمول و قاعدهٔ کلی برای رفع تعارض بین علم و قـرآن نـدارد و تعارضها را موردی حل می‌کند؛ بدین معنا که برای هرموردی از راهی وارد می‌شود. با ایـن وجود نوعی ناسازگاری وعدم انسجام در تفسیر ایشان دیده می‌شود (همانجا، ۶/۳).

۶-۱۱. طنطاوی به شدّت در برابر فرهنگ غرب، به جای دفاع، به خودبـاختگی مبـتلا شده است.

۶-۱۲. در تفسیر حروف مقطعه‌ی قرآن مطالبی دارد که اصلاً نمی‌تـوان از قـرآن دلیـل بسیار قوی برای آن یافت. مثلاً در تفسیر سوره مبارکه «طه» مـی‌گویـد: دو عبـارت «ط» و «ه»، رمزی برای بررسی دروس علوم ریاضی، طبیعـی و نجـوم اسـت؛ در حـالی کـه هـیچ ارتباطی با این دروس ندارد.

بنابراین ما با طنطاوی هم عقیده و همفکریم که در قرآن کریم آیات زیادی وجـود دارد که به ذکر آفرینش جهان و کیفیت وجود آسمانها و زمین و...پرداخته، اما باید بـدانیم بحـث دربارهٔ جهان و طبیعت و انسان در قرآن کریم بطور استطرادی، به میـان آمـده و آیـه‌ای را نیافتیم که مستقلاً به ذکر آفرینش و کیهان شناسی پرداخته باشد، قطعاً طرح این بحث‌ها بـه منظوردیگری بوده است. پراکندگی و گستردگی طنطاوی در مباحث علمی همراه با سطحی نگری او به علوم موجب شده است که وی تفسیر خود را مملو از مطالب بی ربط و سسـت و بی‌پایه به آیات تفسیرکند با این وجود سخنان درست و صواب در لابلای تفسـیرالجواهر هم زیاد است. واشکال اساسی که بر عـدّه ای از مفسـران اعـم از شـیعه و سـنّی از جملـه طنطاوی وارد است اینکه فهم خود را از قرآن ملاک یافته‌ها در همه زمینه‌ها قـرار دادنـد. پس ادعای استخراج همه علوم تجربی از قرآن چه رسد به همه علـوم بـه معنـای عـامّ آن

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

توسط طنطاوی خود به خود نه به نفع قرآن، بلکه در مفهوم و نه منطوق خود، فرو کاستن ارزش قرآن است. چه بسا علومی باشد که بعد از این پایه گذاری شود!

۷- مخالفان تفسیر طنطاوی

مخالفان، وی را به ترویج درکی اشتباه از تفسیر و مقصود قرآن متهم کردند. محمد حسین ذهبی (۱۹۷۷-۱۹۱۵) در کتاب التفسیر و المفسرین، مصطفی الحدیدی (۱۹۴۵-۱۸۸۱) در اتجاهات التفسیر فی العصر الحدیث و بنت شاطی (۱۹۹۸-۱۹۱۳) در القرآن و التفسیر العصری، و نضال قسوم (قسوم، ۱۴۹). همگی اتفاق نظر داشتند که تفسیر طنطاوی دائره المعارفی علمی است. زیرا طنطاوی ایده‌هایی را مطرح کرد که با عبارات قرآنی ارتباط نداشتند (عطیه، ۴۳-۸۲). به نظر می‌رسد که این چهار صاحب‌نظر اسلامی همگی دیدگاه‌های متفکرین متقدم را در مورد تفسیر فخررازی با نظر طنطاوی مقایسه کردند. تفسیر طنطاوی فقط در مدتی کوتاه به وسیله علما مورد تحسین و تمجید قرار گرفت، یعنی تا زمان درگذشت وی. ظاهراً می‌توان به خاطر استنتاجات عجیبی که به طنطاوی نسبت داده می‌شود او را یک فرد اثبات‌گرا دانست (تهامی، ۵۳). پیرمرادی خاطر نشان نمود که تفسیرنگاری طنطاوی بهترین ابزار برای نظر خود وی بود و به قرآن ربطی نداشت (پیرمرادی، ۵۱-۶۸). این صاحب‌نظر ایرانی، طنطاوی را مسئول سبکی تحصلگرا می‌دانست که خوانندگان را وادار می‌نمود جنبه الهام‌بخش روحانی و آسمانی آیات قرآنی را نادیده بگیرند. محمد بهرامی تلاش طنطاوی را برای معادل قرار دادن عبارات قرآنی با کشفیات علمی مردود دانسته است (بهرامی، ۱۳۷۵: ۱۷۸- ۲۰۵).

۸- مقایسه موریس بوکای و طنطاوی

اگرچه هنوز از طنطاوی به عنوان یکی از شخصیت‌های اصلی تفسیرعلمی قرآنی یاد می‌شود، اما دانشمندانی که علاقه به بحث قرآن و علم دارند کمتر او را مورد استناد و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

مطالعه قرار دادند. مانند کیت مور، ذاکر نائیک و دیگران. یکی از برجسته ترین چهره‌های مباحث علمی در قرن بیستم موریس بوکای بود. معمولاً هنگام صحبت در مورد تفسیر علمی قرآن، طنطاوی و بوکای با هم جمع می‌شوند. با وجودی که بوکای "یک اثر تطبیقی" در مورد ارتباط علم، کتاب مقدس و قرآن ارائه کرد، اما ظاهراً کار وی از محبوبیت مورد انتظار مسیحیانی که معتقدند کتاب مقدس الهی و خطاناپذیر است برخوردار نبود.اما برای بسیاری از مسلمانان، این کاری درخشان بود که به اعتقاد آنها بی نظیر بودن یا غیر قابل تکرار بودن آیات قرآنی را کشف کرد.به عنوان مثال، مستند "موریس و فرعون" مورد توجه ویژه بنیادهای اسلامی عرب قرار گرفت و برنده جایزه خلاقانه ترین اثر اسلامی در سال۲۰۱۰م شد (دانشگر، ۸۷). یا افکار جنین شناسی بوکای برای توسعه گزارش علمی خود و تلاش برای اثبات ارتباط بین گفته‌های جنین شناسی و صحت آیه ۶ سوره آل عمران در نوع خود جالب است. برخلاف طنطاوی، بوکای با گفتگوی اختصاصی با مردم یا تشویق آنها برای رسیدن به هدفی خاص، گروه خاصی از مردم را ترغیب نکرد. بوکای سعی کرد تا از نظر تجربی صحت کتاب مقدس را ارزیابی کند و تا حد زیادی دیدگاهی تجربی یا عملی از علم در قرآن داشت. تا آنجا که به استدلال‌های تاریخی مربوط می‌شود به عنوان منبع به حقایق علمی روی آورد و هرگز به داستان‌های "غیرقابل اعتماد" (از نظر علمی) که فقط در کتاب مقدس نقل شده اعتماد نمی‌کند. تخصص و رویکرد مدرن وی در علم، سرانجام عاملی اساسی بود که باعث اعتبار وی در بین مسلمانان شد. بوکای برخلاف طنطاوی دیدگاه منظم و تجربی نسبت به علم داشت و به همین ترتیب می‌توان گفت که وی صلاحیت بیشتری برای داشتن عنوان "بنیانگذار تفسیرعلمی" دارد (همانجا، ۱۴۷).

علاوه بر تفاوت‌های رویکردی بین طنطاوی و بوکای در علوم قرآن، اکنون چند نکته درمورد روش شناسی آنها برجسته خواهد شد.

۱- طنطاوی یک رویکرد کلاسیک اصلی را به علم و دانش احیا کرد، روشش محدود به یک رشته خاص نبود، در حالی که بوکای تفسیر کلاسیک را از طریق علوم تجربی توسعه داد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

۲- برخلاف تلاش‌های طنطاوی برای تربیت و وحدت مسلمانان، بوکای تفسیری علمی از قرآن را ترویج داد که سرانجام به ایده غیرقابل تکرار شدن علمی قرآن منجر شد.

۳- با بررسی‌های انجام شده، نه طنطاوی و نه بوکای به تعابیراسلامی جدید، که از گرایش یا مبنای علمی برخوردار بوده اند، اشاره نکرده اند. به عنوان مثال، طنطاوی می‌توانست به آثار الاسکندری اشاره کند و بوکای می‌توانست از آثار طنطاوی استفاده کند.

۴- رویکرد طنطاوی و بوکای نسبت به موجودات زنده (حشرات، پرندگان و غیره) متفاوت بود. بوکای یک روش علمی برای تجزیه و تحلیل بیشتر نکات طبیعی و کیهانی که در قرآن به آنها اشاره شده داشت، در حالی که طنطاوی آیاتی را با درج اصطلاحات مربوط به پرندگان یا حشرات با هدف اخلاقی- اجتماعی تعریف می‌کرد تا انسان‌ها بتوانند رحمت خدا را بفهمند.

۵- بوکای هرگز نام طنطاوی را درآثار خود نیاورد، این نشانگر این بود که بوکای احتمالاً با رویه تفسیری طنطاوی مخالفت کرده است.

۶- طنطاوی در نوشتن شرح خود عمدتا تحت تأثیر انحطاط عمومی و ضعف اعراب بود، در حالی که بوکای تحت تأثیرمسائل علمی قرار گرفت (دانشگر، ۹۷).

۹- نتیجه مقاله

برخلاف پندارهای برخاسته از نگاه دور، تفسیر طنطاوی بدان‌گونه که پنداشته می‌شود، تفسیر علمی نیست و نگرش او به آیات هستی و مواهب طبیعی از لون دیگر است. با این وجود، بسیاری از محققان (مسلمان و غیرمسلمان) معتقدند که طنطاوی دایرة المعارفی از علم را تشکیل داده است و از او انتقاد کردند. بنابراین طنطاوی به هر روش و شکلی مباحث علم جدید را در فهم قرآن به کار می‌گرفت و تلاش کرد تا نظریات و مسائل علمی بسیاری را بر آیات قرآن تطبیق و تحمیل کند، در بحث اعجاز علمی قرآن زیاده روی کرده و معتقد است که شناخت قرآن بدون بهره‌گیری از دانش‌های نو ممکن نیست، او به مطلق

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

انگاری علم معتقد بود و بعضی وقت‌ها سراغ جزئیات رفته است. طنطاوی هرگاه در قـرآن واژه ای شبیه، یا هم نام و یا هم مفهوم یکی از علوم و مسائل آن را یافته‌اند، آن را بر همان علـم منطبق نموده و بیان می‌کرد که همه علوم در قرآن یافت می‌شود. او ابتدا تـا انتهـای قـرآن را بـا رویکرد علمی گرایانه تفسیر کرده است و ازعلوم طبیعی در همه آیات قـرآن اسـتفاده و بـه آنهـا استناد کرده است. تمامی آموزه‌های قرآنی را با علوم جدید سازگار می‌یابد و متاسـفانه در ایـن خصوص غلو می‌کنند و فهم خود را بر آیات تحمیل می‌کند و دچار تفسیر به رأی شـده اسـت. در پرداختن به مباحث علمی از تکرار ابایی نداشت و هنگام فهمیدن مراد و مقصود آیات علمـی پیرامون طبیعت به علوم جدید متوسل می‌شود. نگران هویت، ملـت و وحـدت مسـلمانان بـود. سعی داشت هماهنگی بین قرآن و علم مدرن را نشان دهـد. طنطـاوی جـاه طلبـی بسـیاری در مورد چگونگی به کارگیری علوم اروپایی داشت و در نوشتن شـرح خـود عمـدتا تحـت تـأثیر انحطاط عمومی و ضعف اعراب قرار گرفت. طنطاوی علاقه زیادی به صـحبت در مـورد امـور مربوط به روح داشت حتی علم را در تفسیر آیات غیبی مبنا قرار داده بود و در پی مادی کـردن مفاهیم غیبی و ماورای الطبیعی بود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراب العربی، ۱۴۰۸ق.
۳. ابوحجر، احمد عمر ابو جعفر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت، دارالقتیبه، ۱۹۹۱م.
۴. أبوطبره، هدی جاسم محمد، المنهج الأثری فی تفسیرالقرآن الکریم، قم، مکتب الأعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۵. البار، محمدعلی، خلق الانسان بین الطب و القرآن، بیروت، دار البشیر، ۱۹۹۵م.
۶. آل‌جعفر، عبدالغفور محمود مصطفی، التفسیر و المفسرون فی الثوبه الجدید، قاهره: دارالسلام، ۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م.
۷. ایازی، سیدمحمدعلی، المفسّرون حیاتهم و منهجهم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۸. بابایی، علی‌اکبر، مکاتب تفسیری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۱ش.
۹. بهرامی، محمد، «ریشه‌یابی کاستی‌های تفسیر علمی در قرن معاصر»، پژوهش‌های قرآنی، شماره۷، سال ۸، ۱۳۷۵ش.
۱۰. پیرمرادی، محمدجواد، «طنطاوی و روش تفسیری او»، مجله مصباح، شماره ۴۸، سال ۱۲، ۱۳۷۸ش.
۱۱. تهامی، فاطمه، «طنطاوی و تفسیر او»، مجله آیینه پژوهش، صص۳۰-۳۳، ۱۳۷۹ش.
۱۲. خرمشاهی، بهاءالدین، تفسیر و تفاسیرجدید، کیهان، تهران، ۱۳۲۴ش.
۱۳. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیثة، بیروت، ۱۳۹۶ق.
۱۴. رشیدرضا، سیدمحمد (۱۳۵۲)، تفسیرالقرآن الحکیم، الشهیر بتفسیرالمنار، دارالمعرفة، بیروت،۱۳۵۲ق.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیرقرآن(۱)، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷ش.
۱۶. رومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان الرومی، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع العشر، بی‌نا، ریاض، ۱۴۰۷ق.
۱۷. شریف، محمد ابراهیم، اتجاهات التجدیدفی تفسیر القرآن الکریم فی مصر، دارالتراث، قاهره، ۱۴۰۲ق.
۱۸. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۹. طنطاوی جوهری، الجواهر، اسکندریه، دارصدیق،۱۹۹۰م.
۲۰. همو، التاج المرصع، بی‌نا، قاهره، چاپ دوم، ۱۹۳۳م.
۲۱. عطیه، عبدالحلیم عطیه، الدرس الفلسفی در طنطاوی جوهری، المسلم المعاصر، بی‌جا، ۱۹۹۸م.
۲۲. غنیم، کارم السید، الإشارات العلمیّه فی القرآن الکریم بین الدراسه والتطبیق، قاهره: دارالفکر العربی، ۱۹۹۴م.
۲۳. قسوم، پرسش‌های کوانتومی اسلام، مجله تطبیق سنت اسلامی و دانش غرب، آی بی تائوریس، لندن، ۲۰۱۰م.
۲۴. مصباح، محمد تقی، جهان شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۵.
25. Daneshgar, Majid, "An Approach to Science in the Qurān", Oriente Moderno 95/1–2 (2015), pp. 32–66.
26.Daneshgar, Majid, "Behind the Scenes: A Review of Western Figures' Supportive Comments Regarding the Qurān", al-Bayān Journal of Qurān and Ḥadīth Studies 11/2 (2013), pp. 131–153.
27.Daneshgar, Majid."Ṭanṭāwī Jawharī and the Qurān".Tafsir and social Concerns in the Twentieth Century. 2017.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-09-07]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1400.21.43.11.3]